

۱. مقدمه wilton, pete ۱

۲. ملاقات با آقای خلیفه ۲

۳. تفویض قدرت به مردم ۳

۴. بازگشت ۴

۵. دل به دل راه دارم ۵

۶. ۶

۷. آزمودن ۷

۸. سکوت طلاست ۸

۱۰ شیوه برای موفقیت در بحث‌ها

نویسنده: بیت ویلتون

مترجم: مامک بهادرزاده

۱۰. تو برنده من باش ۱۰

۱۱. ۱۱

۱۲. ۱۲

فهرست کتابخانه ۱۲



تسا پستال در قلعه رقوقه گیلان

۷۷ شماره پستی ۱۲ نایب



۸۸۰۰۳۶۷۰۰۰

[مجموعه کتابخانه]

فروش اینترنتی و اطلاعات بیشتر این کتاب در

www.gvin.persianbook.net و Polkavin@yahoo.com

فهرست مطالب

۱. مقدمه ۷
۲. ملاقات با آقای خوب ۱۳
۳. تفویض قدرت به مردم ۱۹
۴. بازگشت به آینده ۲۵
۵. دل به دل راه داره! ۳۱
۶. کفشهای نو، قربان؟ ۳۷
۷. آزمونگر ۴۳
۸. سکوت طلاست ۴۹
۹. فقط حقیقت ۵۹
۱۰. تو برنده، من بازنده ۶۳
۱۱. چون من اینطور گفتم ۶۹
۱۲. جمع‌بندی ۷۵
- فهرست کتاب‌های منتشر شده نشر آوین ۷۹

۱. مقدمه

امروز عصر پنجشنبه است و هفته بلندی را پشت سر گذاشته‌اید، همگی حسابی خسته‌اید. تلفن تمام روز زنگ می‌زد. فرصت نشد بروید نهار و فکسی که از ساعت نه و نیم صبح منتظرش بودید فقط پنج دقیقه پیش از رفتن به خانه به دستتان رسید.

تصمیم می‌گیرید بهترین راه برای پشت سر گذاشتن استرس‌های هفته گذشته این است که برای خوردن یک شام عالی به یک رستوران محلی بروید. این رستوران مورد علاقه‌تان است و وقتی می‌نشینید و منوی غذا را در دست می‌گیرید حس می‌کنید تنش‌های روزانه دارند از بدنتان بیرون می‌آیند.

وقتی گارسون سفارشات شما را می‌گیرد و از میزتان دور می‌شود می‌دانید که تعطیلات آخر

هفته از این لحظه شروع شده است! و حس خوبی به شما دست می‌دهد.

همچنان که زمان می‌گذرد متوجه می‌شوید ۴۵ دقیقه از سفارش غذایتان می‌گذرد اما هنوز هیچ خبری از آمدنش نیست. سعی می‌کنید گارسونتان را پیدا کنید و توجه‌اش را به خود جلب نمائید اما ظاهراً شما را نادیده می‌گیرد. روی پا بلند می‌شوید و می‌پرسید غذایتان کجاست. گارسون پاسخ می‌دهد که متأسفانه آنها امروز بحران بدی در آشپزخانه داشته‌اند و تمام روز با کمبود پرسنل مواجه بوده‌اند. وقتی سفارش غذا را می‌گرفت این را نگفت. حالا می‌گویند هم الان می‌رود ببیند غذای شما کجاست. بار دیگر تا ده دقیقه او را نمی‌بینید و سرانجام یادش می‌آید که باید چیزی به شما بگوید. غذایتان به زودی خواهد آمد. غذایتان را می‌گیرید و شما و شریکتان سعی می‌کنید مشکلات را پشت سر بگذارید. گویانکه غذایتان سوخته است و همچنین آنها فراموش

کرده‌اند که شما سس فلفل روی استیکتان نمی‌خواستید آن هم آن همه!

سفارش دسر نیز بهتر از غذا نیست و ده دقیقه بعد از اینکه یک برش کوچک از کیک شکلات که سزاوارش هستید تا شبتان را با آن شیرین کنید سفارش دادید تازه به شما گفته می‌شود که شیرینی مورد نظرتان را تمام کرده‌اند. در این لحظه شما می‌خواهید میزتان را به دیوار بکوبید و سر به کوه و بیابان بگذارید.

تصمیم می‌گیرید با گارسون صحبت کنید که متأسفانه در می‌یابید هیچگونه حس همدردی با شما ندارد. سطح استرس شما در تمام این مدت بالاست و با توجه به هفته‌ای که پشت سر گذاشتید هیچ خوب نیست.

پس چگونه حرفتان را ثابت می‌کنید و در موقعیتی اینچنینی چگونه بحث موثری انجام می‌دهید و چطور اطمینان حاصل می‌کنید که به نتیجه موردنظر خواهید